



کتابخانه
مطالعات
۱۳۸۴

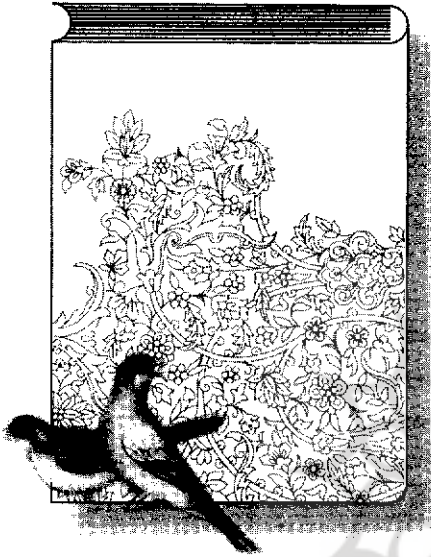
مقاله

اشاره: تحقیق و چاپ آثار کهن، مبتنی بر شناخت نسخه‌های مهم کتاب و انتخاب یکی از آنها، به دلایل مختلف، به عنوان نسخه‌ی اساس است. از این رو نسخه‌شناسی اهمیت فراوانی در روند تصحیح کتاب دارد. اما آنچه که در عمل انجام می‌شود، چنین نیست و به دلیل دشواری‌هایی که در دسترسی به نسخه‌های خطی یک اثر وجود دارد، مصححان کوشش خود را بر چند نسخه از کتاب منحصر می‌کنند. اشکال چنین شیوه‌ای در این است که اگر مؤلفی در یکی از نسخه‌های اثر خود تغییراتی داده باشد و بعدها تحریر کامل تری از آن تألیف کرده باشد، به دلیل عدم مراجعه به همه نسخه‌ها، این امر ناشناخته باقی می‌ماند. نوشتار حاضر این مسئله را درباره چاپ و نشر کتاب معرفة القراء الکبار علی الطبقات والاعصار تألیف شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی (متوفی ۷۴۸) بررسی می‌کند که محققان نام‌آوری چون بشار عواد معروف، شعیب الارناؤوط و صالح مهدی عباس (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۴ / ۱۹۸۴) متن آن را با مقابله با چندین نسخه خطی، از جمله نسخه‌هایی به خط ذهبی، منتشر کرده‌اند. نویسندگان این مقاله خود به تازگی بر اساس نسخه‌ی تازه‌یاب خود، چاپی کامل و انتقادی از کتاب طبقات القراء، که نام نخست آن همان معرفة القراء بوده، در سه جلد منتشر کرده است (ریاض، ۱۴۱۸ / ۱۹۹۷).

چاپ کامل کتاب 'طبقات القراء ذهبی'

• نوشته احمد خان
ترجمه محمد کاظم رحمتی





زمانی که فرد در صدد تصحیح یک اثر برمی آید، نخستین هم و غم او دسترسی به نسخه های آن کتاب است تا بتواند با بررسی آنها و انتخاب یک نسخه به عنوان نسخه اساس، کار تصحیح کتاب را آغاز کند. هر چند در عمل به دلیل محدود بودن نسخه ها و دشواری دست یابی به آنها، این کار غالباً به نحو کامل صورت نمی گیرد. اما مشکل تنها به چنین مواردی محدود نیست. نویسندگان قرون میانه اسلامی نیز مانند مؤلفان امروز، نگاشته های خود را در گذر زمان تهذیب و بازنگاری می کردند و این به تفاوت نسخه ها می انجامیده است. این روش در میان نویسندگان قرون میانه، خاصه شیوه معمول ابو عبد الله محمد بن احمد بن عثمان ذهبی (متوفی ۷۴۷ق)، مورخ و عالم پر اثر عصر مملوکی، است که از برخی از آثار او چند تحریر در دست است.^۲ برای مثال، ذهبی تحریر نخست مهم ترین اثر خود را در تاریخ نگاری، تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام، در ۷۱۴ به انجام رساند، اما در ۷۲۶، در تحریر دوم این کتاب، مطالب فراوانی را به آن افزود.^۳ وی همچنین دو تحریر از مشیخه خود تألیف کرده است. تحریر نخست که شرح حال ۱۲۷۸ تن از مشایخ او را در بردارد در ۷۳۸ (نسخه احمد ثالث، شماره ۴۶۲) تألیف شده و تحریر دوم که در آن حذف و اضافاتی وجود دارد در ۷۴۵ بر او قرائت شده است (دار الکتب المصریه، شماره ۶۵ مصطلح الحدیث).^۴ ذهبی از اثر مشهور خود در تاریخ قراء، طبقات القراء، نیز سه تحریر، حداقل بر اساس آنچه که می دانیم، انجام داده است. بحث از این مطلب موضوع اصلی این نوشتار است.

تحریر اول طبقات القراء

ذهبی احتمالاً نخستین بار در ۷۱۴ پس از فراغت از تألیف تاریخ الاسلام، به فکر تدوین کتابی در تاریخ قراء به نام طبقات القراء افتاد. در این هنگام، او خطیب مسجد کفریطنا در نزدیکی دمشق بود.^۵ در هر حال، وی در ۷۱۸ از تألیف این کتاب فراغت یافت و این تحریر نخست کتاب او بود.^۶ از این تحریر چندین نسخه می شناسیم. از جمله نسخه ای که شهاب الدین ابوالعباس بن احمد بن یحیی بن نخله نابلسی دمشقی تاجر مشهور به ابن سلغوس (متوفی ۷۳۴ق) در چندین مجلس که آخرین آن در ۹ جمادی الثانی ۷۲۵ بوده، کتابت کرده و بر ذهبی در حضور برادر خودش خوانده و اجازه روایت تمام آثار ذهبی تا آن تاریخ را نیز از او اخذ کرده است.^۷ نسخه دیگر از این تحریر، نسخه ای است که شرف الدین ابوالمعالی محمد بن ابی بکر بن یوسف مزنی (۷۰۱

- ۷۶۶ق) در دمشق کتابت کرده و در حضور جد خود زین الدین ابوبکر بن یوسف مزنی (متوفی ۷۲۶ق) بر ذهبی خوانده است.^۸ همچنین نسخه ای از این کتاب ذهبی در کتابخانه کوپریلی (شماره ۱۱۰۲ق)^۱ و دار الکتب المصریه وجود دارد که به اعتقاد محققان معرفة القراء، ابن جزری در تألیف غایة النهایة از این نسخه استفاده کرده است.^۲ نسخه هایی از این تحریر، اساس چاپ این کتاب توسط بشار عواد معروف، صالح مهدی عباس و شعیب ارناؤوط (بیروت ۱۹۸۴ق)، با عنوان معرفة القراء الکبار فی الطبقات و الامصار بوده است.^۳ این مصححان، نیز بر این نظرند که این نسخه اخیر، متن مورد استفاده ابن جزری در کتاب غایة النهایة بوده است.^۴ در هر حال تمام چاپ های موجود از کتاب طبقات القراء چه تحقیق شده و چه غیر تحقیق شده، بر اساس همین تحریر کتاب ذهبی است.^۵

همان گونه که گفته شد، کتاب طبقات القراء، مورد استفاده ابن جزری در تألیف کتاب غایة النهایة فی طبقات القراء بوده است. از این رو محققان کتاب معرفة القراء ذهبی در شرح حال هر یک از افراد به کتاب ابن جزری نیز مراجعه می کرده اند که تمام مطالب ذهبی را به تفاریق در کتاب خود آورده است.^۶ اما محققان با شگفتی دریافتند که برخی از مطالبی که ابن جزری در غایة النهایة از طبقات القراء ذهبی نقل کرده است در نسخه ای که اساس تصحیح آنان بوده وجود ندارد.



به پایان رسیده و دو تحریر دیگر قبل از ۷۲۵ و ۷۲۹ تألیف شده است.^{۱۶} طبیعی است که در تحریرهای ذهبی تغییرات زیادی رخ داده باشد. از برخی اشارات نیز می‌توان دریافت که ذهبی مطالبی را تا پیش از وفات خود در ۷۴۸ به کتاب افزوده است.^{۱۷} آخرین تاریخی که ذهبی مطالبی بر کتاب افزوده است، شعبان ۷۴۷ است.^{۱۸} این نسخه که به تازگی بر آن دست یافته‌ام، به دلایلی که ذکر خواهم کرد، تحریر سوم و نهایی کتاب طبقات القراء ذهبی است. تعداد تراجم این کتاب به نسبت تحریر اول تقریباً دو برابر است و تقدیم و تاخیر در ذکر شرح حال برخی افراد نیز در آن دیده می‌شود. همچنین مطالب فراوانی به شرح حال افراد اضافه شده است. در برخی موارد، این افزوده‌ها دو برابر مطالب ذکر شده در تحریر اول است. همچنین از حیث شیوه بیان مطالب نیز تغییراتی در کتاب داده شده است. به نحوی که باید گفت این تحریر به کلی با تحریر اول کتاب متفاوت است.

واضح است که برخی از این تراجم در تحریر دوم کتاب نیز افزوده شده باشد. از آنجا که تحریر دوم به صورت کامل باقی نمانده،^{۱۹} تعیین تعداد تراجمی که در تحریر دوم افزوده شده، دشوار است؛ هر چند غیر ممکن نیست، چرا که این جزئی تمام اطلاعات تحریر دوم این کتاب را در غایه‌النهاییه نقل کرده است. اکنون با توجه به نبود این نسخه باید دید چه دلایلی بر وجود این نسخه می‌توان ارائه کرد.^{۲۰}

۱. ابن جزری (ج ۱، ص ۵۳۴ - ۵۳۵) در شرح حال ابوالحسن رقی می‌نویسد: «قال الحافظ ابو عبد الله: هذا شيخ مجهول، ما ذكره الا السامري، والعهدة عليه، فاني لم أر الخطيب ذكره في تاريخه، و وقعت لي رواية السوسی من طريقه عالیة». این عبارت در تحریر اول طبقات القراء (ج ۱، ص ۲۴۶) موجود نیست و طبعاً ابن جزری آن را از تحریر دوم کتاب اخذ کرده است. در تحریر سوم این شرح حال به صورت دقیق‌تر چنین آمده است: «قلت (يقول الذهبي) هذا الشيخ لا يعرف، و ما أتى به سوى السامري، والعهدة عليه، و لا ذكره الخطيب في تاريخه. وقد وقعت لنا رواية السوسی من طريقه عالیة» (شرح حال ۲۱۱).

۲. ذهبی در تحریر اول طبقات القراء (ج ۱، ص ۳۰۰) سال وفات جعفر بن سلمان خراسانی را ذکر نکرده اما ابن جزری (ج ۱، ص ۱۹۲) سال وفات او را به نقل از ذهبی آورده است. در شرح حال ابن فرد در نسخه ما (شماره ۲۰۴) سال وفات این فرد آمده و در ادامه آن گفته شده است: «وسماع ابن غلبون منه في سنة تسع و عشرين و ثلاثمائة». ابن جزری که تحریر دوم طبقات القراء ذهبی را در دست داشته، تنها تاریخ وفات خراسانی و سماع او از ابن غلبون را ذکر کرده اما از آنجا که تحریر سوم طبقات القراء را در دست نداشته، ادامه مطلب یعنی سماع ابن غلبون از خراسانی را نیاورده است.

۳. در معرفة القراء (ج ۱، ص ۳۳۹)، تحریر اول طبقات القراء، در شرح حال ابوعلی علی بن اسماعیل بن حسن بصری آمده که «أقرأ

در آغاز، محققان گمان بردند که این امر بر اثر اختلاف نسخه‌ها روی داده است، اما در جریان تصحیح کتاب ذهبی به این نتیجه رسیدند که نسخه‌ای که در اختیار ذهبی بوده با آنچه که در اختیار آنهاست تفاوت زیادی دارد. از این رو مطالبی را که در کتاب غایه‌النهاییه بود به عنوان عبارت‌های غیر موجود در نسخه ذهبی بر متن افزودند و به این نتیجه رسیدند که نسخه آنها گرچه نسخه‌ای کتابت شده به خط خود ذهبی است، با نسخه‌ای که در اختیار ابن جزری بوده، تفاوت دارد. با وجود آنکه تذکر این مطلب مهم در مقدمه لازم بود، محققان هیچ اشاره‌ای به آن نکردند و بر عکس چنین وانمود ساختند که همان نسخه مورد استفاده ابن جزری را اساس کار تصحیح خود قرار دادند. آنان درباره تفاوت‌هایی که بین نسخه آنها با نسخه ابن جزری وجود دارد، توضیحی ندادند.

نسخه‌ای نیز از کتاب طبقات القراء ذهبی در دار الکتب المصریه وجود دارد که حاوی اضافاتی به خط ذهبی است. در اشاره به اهمیت نسخه دار الکتب المصریه، محققان کتاب ذهبی نوشته‌اند: «... این نسخه (که اساس تصحیح کتاب ذهبی قرار گرفته) پیش از ۷۲۶ کتابت شده و در فاصله این سال تا وفات ذهبی که زمانی دراز است، وی در نسخه اضافاتی وارد کرده و مطالبی از آن را تصحیح کرده و زیاداتی اندک بر آن افزوده است که از نسخه این کتاب که در دار الکتب المصریه باقی مانده، استنتاج می‌گردد... و از این نسخه ابن جزری در کتاب خود، غایه‌النهاییه نقل قول‌هایی کرده که نسخه‌ای کتابت شده به خط ذهبی بوده است».^{۲۱}

این مطلب درست است که ذهبی در تحریر دیگر کتاب خود مطالبی بر آن افزوده است، اما این اضافات اندک نبوده و دیگر آنکه این نسخه، آن نسخه نیست. همچنین ابن جزری از نسخه طبقات القراء موجود در دار الکتب المصریه، استفاده نکرده است، چرا که اگر چنین بود، ضرورتی بر افزودن مطالبی از این نسخه به کتاب طبقات القراء ذهبی وجود نداشت. مصححان کتاب ذهبی، بدون توضیحی درباره این مسئله، تنها به وصف نسخه دار الکتب، به عنوان نسخه‌ای نفیس، کفایت کرده‌اند.

تحریر دوم کتاب طبقات القراء

وجود تحریر دوم کتاب طبقات القراء، با بررسی تحریر سوم کتاب روشن می‌شود. در هر حال این تحریر در اختیار ابن جزری بوده و از آن در تألیف غایه‌النهاییه بهره برده، هر چند متوجه نقصان این نسخه نشده است. ابن جزری چنانکه پیش از این گفتیم از تحریر اول کتاب طبقات القراء ذهبی استفاده نکرده است.

تحریر سوم کتاب طبقات القراء

از برخی اشارات ذهبی می‌توان دریافت که تحریر اول قبل از ۷۱۸

شواهد قانع کننده‌ای است از اینکه نسخه ابن جزری با نسخه‌های اساس چاپ معرفة القراء و نسخه ما متفاوت بوده است. در هر حال نسخه‌هایی از تحریر اول، متداول و در اختیار عالمان بوده و در اغلب کتابخانه‌ها نیز، همین نسخه موجود است.^{۱۱} اما از تحریر دوم که از نسخه‌های تحریر نخست کامل تری بوده، تنها نسخه‌ای در اختیار ابن جزری بود و از تحریر سوم، تا آن جاکه می‌دانم، کسی اطلاعی نداشته است. جستجو در فهرس نسخه‌های خطی و پرس و جو از افراد مطلع نیز این نظر را تأیید می‌کند.^{۱۲}

درباره تفاوت نسخه تازه یاب و به تعبیر ما تحریر سوم طبقات القراء ذهبی یا معرفة القراء چاپ شده، هر چند در جدولی از آن سخن گفته‌ام، اما در اینجا در نظر دارم تا بار دیگر از این موضوع به اختصار سخن گویم.

۱. در معرفة القراء (ج ۱، ص ۲۳۶) در شرح حال عباس بن فضل بن شاذان بیش از ده سطر نیست، اما در نسخه ما (شرح حال ۱۸۸) بیش از بیست سطر مطلب آمده، مطلب فزون تر چنین است: «قلت: کان عالیاً الاسناد فی الكتاب و السنة. قد أدرك محمد بن غالب صاحب شجاع البلخی، و قرأ علیه. و ممن قرأ علی ابوالعباس احمد بن محمد بن عیسی - شیخ لأبی علی الأهوازی - و ابوالعباس احمد بن محمد بن عیسی شیخ للخزاعی، و علی بن احمد بن صالح القزوینی.

قال الخلیلی: مات بالری سنة احدى عشرة و ثلاثمائة.

آخرنا احمد بن تاج الأمتاء قال أنبانا عبدالعزیز بن محمد قال انا ابوالقاسم الشحامی سنة سبعة و عشرين و خمسمائة بمقراة (بهرآه؟) قال انا محمد بن عبدالرحمن الکنجرودی قال انا محمد بن احمد الحیرى قال انا ابوالقاسم العباس بن الفضل بن شاذان قال حدثنا علی بن عبدالؤمن قال حدثنا المحاربى عن ابى سعد البقال عن عبدالرحمن بن الاسود عن ابیه عن عائشة رضی الله تعالی عنها حدیث الافک».

۲. ذهبی در معرفة القراء (ج ۱، ص ۲۴۰) شرح حال کوتاهی برای قاسم بن زکریا بن یحیی مطرز آورده است. اما در نسخه ما به تفصیل (شرح حال ۱۹۸)، زندگی نامه این فرد را آورده و تنها به تقدیم و تاخیر مطالب در شرح حال او اکتفا نکرده و مطالب فراوانی بر شرح حال او افزوده است و در پایان آن تذکر مهمی آورده است (قلت: ما یلام من خط علی الأهوازی فانه کنی قاسما ایا محمد، و زعم انه تلا علی علی بن الحسین الغضائری، احمد المجهولین. و قال: قرأت علی القاسم بن زکریا بن یحیی المقری فی سنة ثلاث عشرة و ثلاثمائة. و هذه فصيحة. و قد ینتصر متعصب لاهوازی فیقول: هذا مقری آخر و وافق اسمه و اسم ابیه المطرز، و تاخر، فهذا شی لا وجود له، و الله تعالی اعلم).

۳. ذهبی شرح حال حسن بن حسین بن علی صوف را در

۷. در نسخه ما ذهبی شرح حال یوسف بن مبارک بن محمد بن أبی شیببة (شرح حال ۷۳۱) را همانند معرفة القراء (ج ۲، ص ۵۳۰ - ۵۳۱) تنها یک بار آورده است، اما در تحریر دوم، شرح حال این فرد در دو جا آورده شده، آن گونه که ابن جزری (ج ۲، ص ۴۰۳) در اشاره به او می‌نویسد: «وقد ترجمه الذهبی بترجمتین فی الطبقة الثانية عشرة و الثالثة عشرة». و در تحریر دوم مطالبی بر تحریر اول افزوده و گفته که «و أنه کان وکیلاً بباب القضاة». در تحریر سوم مطالب را کامل تر آورده که «مات فی رجب سنة سبعین و خمسمائة، علی ما ذکره الذهبی». در تحریر سوم (نسخه ما) تمام این مطلب در یک جا آمده است.

۸. در معرفة القراء (ج ۲، ص ۵۵۵) در پایان شرح حال ابوعمر و یوسف بن عبدالله بن سعید بن عیاد لریی آمده است. «... و صنف التصانیف». اما آنچه که ابن جزری (ج ۲، ص ۳۹۷) به نقل از ذهبی آورده، چنین است: «... قال الذهبی... و صنف التصانیف، و بعد صیته. سقنا اخباره فی التاريخ الكبير. مات سنة خمس و سبعین و خمسمائة و له سبعون سنة»، اما ذهبی این مطالب را در تحریر نهایی کتاب چنین اصلاح کرده است: «... و صنف التصانیف، و اشتهر اسمه و بعد صیته. سقنا اخباره فی التاريخ الكبير. عاش سبعین سنة. مات سنة خمس و سبعین و خمسمائة بالاندلس» (شرح حال ۷۸۵).

۹. ذهبی در معرفة القراء (ج ۲، ص ۶۶۱) نامی از برادر عبدالله بن محمد بن عبدالوراث عدل نیاورده اما در تحریر دوم کتاب در ضمن شرح حال او به نام برادرش اشاره کرده است: «وله أخ اسمه عبدالله أيضاً. مات سنة خمس و ثلاثین. و قال وبقی هوالی سنة أربع و ستین و ستمائة. قلت (بیاض)» (غایة النهایة، ج ۱، ص ۴۵۳).

اما در تحریر سوم اطلاعات (در شرح حال ۱۰۶۶) کامل تری آمده است: «قلت: وله أخ، مات سنة خمس و ثلاثین و ستمائة، وهو أبو الحسن عبدالله المعروف بابن الأزرق، و هو لقب لجد أبیه».

۱۰. ذهبی در پایان تحریر کتاب خود (معرفة القراء، ج ۲، ص ۷۱۶) در شرح حال ابوعبدالله حسین بن سلیمان بن فزاره کفری، شاگردان او را بر شمرده و آخرین آنها را چنین یاد کرده است: «شرف الدین محمد بن احمد بن الشیخ زین الدین أبی بکر المزی الحریری» و مطلب دیگری در ادامه آن نیاورده است. اما در تحریر دوم، مطالبی را بر آن افزوده است: «و أضر بآخره، و لزم عمره، و لزم منزله حتی توفی فی جمادی الأولى سنة تسع عشرة و سبعمائة». (غایة النهایة، ج ۱، ص ۲۴۱). در تحریر سوم کتاب (یعنی در نسخه ما) این عبارات چنین آمده است: «أضر بآخره، و لزم المنزل، عوضه الله الجنة و قد عرض الشاطیبة علی الامام أبی شامة. توفی فی جمادی الأولى سنة تسع عشرة و سبعمائة. سمعت منه و جمعت علیه بعض الختمة، و قطعت. و كان خیراً، متواضعاً، کیساً» (شرح حال ۱۱۷۵).

این چند مثال که موارد فراوان دیگری را نیز می‌توان بر آن افزود،

رقم الطبقة	عدد التراجم في معرفة القراء	عدد التراجم في نسختنا	فوارق
۱	۷	۷	۰
۲	۱۲	۱۳	۱+
۳	۱۹	۱۸	۱-
۴	۱۶	۲۶	۱۰+
۵	۲۱	۳۹	۱۸+
۶	۵۰	۶۹	۱۹+
۷	۵۸	۹۳	۳۵+
۸	۶۶	۸۵	۱۹+
۹	۶۰	۸۲	۲۲+
۱۰	۵۰	۸۱	۳۱+
۱۱	۴۴	۸۳	۳۹+
۱۲	۵۷	۱۱۶	۵۹+
۱۳	۷۰	۱۳۷	۵۷+
۱۴	۶۵	۶۵	۸۵+
۱۵	۴۰	۸۹	۴۹+
۱۶	۸۰	۱۳۷	۴۷+
۱۷	۰۰	۳۹	۳۹+
۱۸	۱۹	۰۰	۱۹-
نیل	۰۰	۳۵	۲۵+
مجموع	۷۳۴	۱۲۶۶	۵۳۵+

معرفة القراء (ج ۱، ص ۲۴۲ - ۲۴۲) به نحو بسیار کوتاهی آورده است. اما در نسخه ما، به تفصیل بیشتری شرح حال این فرد را آورده و گفته است: «قال احمد بن كامل القاضي، قال لي ابو علي الصواف كنت اختم القرآن، وانا رايك، فقلت هذا لا يجوز. قال: ما كنت اعلم. وعن العزال قال رايك في النوم كان قائلاً يقول: يا ملك الموت قبض روح الرجل الصالح، يعني ابا علي الصواف. قال فخرجت في السحر فاذا هو قد مات. وكان موته في رمضان.»

۴. ذهبی در معرفة القراء الکبیر (ج ۱، ص ۲۴۲ - ۲۴۳) شرح حال سعید بن عبدالرحیم ابوعثمان عزیز را به اجمال آورده اما بعدها که اطلاعات بیشتری در باب او یافته، مطالب فراوانی به شرح حال او افزوده آن گونه که در شرح حال وی در نسخه ما آمده است (شرح حال ۲۰۴). در پایان شرح حال او در نسخه ما نیز این عبارت را افزوده است: «وفي كتاب القراء لأبي عمرو الداني حدثنا علي بن محمد بن خلف قال انا ابوالفتح بن بذهن - فضبطه بسكون الهاء - ثم قال الداني سمعت الحسن بن سليمان يقول سمعت ابالفتح ابن بذهن يقول كنا نقرأ على ابي عثمان الضريير خفية من ابن مجاهد وكان لا يقرى احد الا خمسين آية، فكنت اذا قرأت على الخمسين قطع علي، قمت عنه، ثم آتیه بعد ذلك فابتدي عليه، و اخالف بصوتی و ابدل حلقى فلا يظن لي، فقرأ خمسين آية اخرى، ففعلت ذلك كثيراً حتى ختمت عليه ختمة. و بلغت في الثانية الى الممتحنة، فظن لي، وقال انت ابو الحلاقيم.»

۵. ذهبی در معرفة القراء الکبیر (ج ۱، ص ۲۴۷ - ۲۴۸) شرح حال هارون بن موسی بن شریک اخفش را آورده، اما در نسخه ما اطلاعات فراوانی را از مصادر دیگر بر آن افزود. (شرح حال ۲۱۵) و گفته است: «انبؤونا عن الخشوعي عن ابي عبدالله الرازي قال انا ابوالقاسم الفارسي قال انا ابواحمد بن الناصح قال حدثنا هارون الاخفش املاء سنة احدى و تسعين و ماتتین قال حدثنا ابوالعباس سلام بن سليمان المدائني الضريير قال حدثنا ابوعمر بن العلاء عن نافع مولى ابن عمر قال قرأ رسول الله صلى الله عليه وسلم في سورة الانفال «و علم ان فيكم ضعفا»، برفع الضاد. قال لي الاخفش هكذا هو مرسل.»

۶. ذهبی در معرفة القراء الکبیر، شرح حال یوسف بن یعقوب امام ابویکرو واسطی را در سیزده سطر آورده اما در نسخه ما (شرح حال ۲۲۳)، آن را به تفصیل بیشتری آورده و اطلاعات بیشتری بر آن افزوده است. ۷. ذهبی در شرح حال حسن بن داود بن حسن قرشی نقار که در معرفة القراء (ج ۱، ص ۳۰۴) فقط در چند سطر بوده، مطالب متعددی را افزوده و اطلاعات جالبی در شرح حال او آورده است (شرح حال ۳۱۳).

مواردی که بر شمرديم، تنها نمونه هایی اندک است و از ذکر موارد متعدد دیگر به دلیل مجال اندک خودداری می کنم. در مواردی ذهبی حتی شرح حال برخی افراد را به طور کامل در تحریر سوم، تغییر داده است؛ از جمله درباره دارقطنی (شرح حال ۳۸۸) و دانی (شرح حال

۴۹۵)، به نحوی که شرح حال آنان کاملاً یا تحریر اول متفاوت است. در هر حال، تفاوت تحریر اول و تحریر سوم به قدری فراوان است که در اینجا به نحو مجمل نمی توان به آن پرداخت و آنچه که ذکر شد، نمونه هایی اندک است. تفاوت های اساسی این دو تحریر را فهرست وار چنین می توان بر شمرد:

۱. تعداد طبقات در تحریر اول، هجده طبقه است اما در تحریر سوم به هفده طبقه و ذیل تغییر داده شده است.^{۳۳}
۲. در هر طبقه، شرح حال افراد متعددی افزوده شده است به نحوی که برخی طبقات دو برابر شده است.
۳. طبقه برخی از افراد تغییر داده شده است.
۴. شرح حال های مکرر برخی از افراد، در تحریر سوم به کلی حذف شده است.^{۳۴}
۵. ذهبی شرح حال برخی از افرادی را که با شروطی که برای ذکر شرح حال افراد در این کتاب داشته مطابق نبوده، حذف کرده است.^{۳۵}
۶. تقدیم و تاخیر در شرح حال بسیاری از افراد دیده می شود و مطالب فراوانی نیز به شرح حال افراد افزوده شده است.
۷. ذهبی در تحریر سوم، عناوین شرح حال افراد را تغییر داده و آنان را به نامی که در میان علما شهرت داشتند، آورده است.

ذهبی و شیوه نگارش طبقات القراء

زمانی که ذهبی کار نگارش طبقات القراء را آغاز کرد، متوجه شمار فراوان قراء و حاملان قرآن در زمان ها و مکان های گوناگون شد. از این رو برای ذکر نام قراء، شرایطی را در نظر گرفت. این ضوابط آن گونه که



از کتاب او می‌توان دریافت، چنین است:

۱. قرائی ذکر کرده که در نزد قراء صاحب قراءات تحصیل قرائت کرده‌اند و کسانی نیز بر آنها قرائت کرده‌اند و این اسناد تا روزگار و عهد ذهبی تداوم داشته است. در اشاره به این شرط ذهبی در پایان طبقه پنجم قراء می‌نویسد: «و فی هذه الطبقة جماعة كثيرة من المقرئين ليسوا فی الاشتهار کمین ذکرت، و لا اتصلت بنا طرقتهم، و انما العناية بمن تصدی للرواية».

با توجه به این شرط گفته شده که ذهبی شرح حال قرائانی که قراءات آنها در عهدش رایج نبوده ذکر نکرده چرا که قرائت آنها استمرار نداشته است هر چند که در بین آنها بزرگانی از صحابه و تدوین کنندگان قرآن نیز وجود داشته‌اند. در اشاره به این موضوع در پایان طبقه نخست قراء می‌نویسد: «و قد جمع القرآن غیرهم من الصحابة کعماد بن جبل، و ابي زيد، و سالم مولى ابي حذيفة و عبدالله بن عمر، و عتبة بن عامر، لكن لم تتصل بنا قراءتهم، فلماذا اقتصرت على هؤلاء السبعة (المذکورین فی الطبقة) رضی الله عنهم».

۲ - قارئانی که شهرتی داشته‌اند و به طرق معتبری قراءات را نقل و افراد متعددی از آنها اخذ قرائت کرده‌اند. ذهبی در اشاره به این شرط، در پایان طبقه دوم می‌نویسد: «فهؤلاء الذين دارت عليهم أسانيد القراءات المشهورة و رواياتهم». بار دیگر در پایان طبقه سوم در اشاره به این شرط با تاکید بیشتری می‌نویسد: «فهؤلاء الأئمة الثمانية عشر قطرة من بحر بالنسبة الى حملة القرآن فی زمانهم، اقتصرت على هؤلاء لدوران الاسانيد فی القراءات عليهم».

بنابراین، ذهبی شرح حال قارئانی که این ویژگی را نداشته‌اند، نیاورده است. هر چند موارد اندکی را می‌توان برشمرد که از شرط خود عدول کرده است. هر چند در این موارد، ذهبی علت آن را توضیح داده تا خواننده گمان نکند که شرایط خود را برای ذکر شرح حال قراء فراموش کرده است. ذهبی در شرح حال مفضل بن سلمه می‌نویسد: «قلت ما ذامن شرط کتابنا، ولكن ذکرت له للتمييز بينه وبين المضل الضبی» (شرح حال ۵۸). در پایان شرح حال عیسی بن سعید کلبی نیز اشاره کرده که چرا شرح حال او را با وجود ناهمسازی با شرایطی که در نظر داشته، آورده است (تقطعت رواياته، و انما أوردته أسوة بأمثاله، و ان كنت لم أستوعب هذا الضرب، فلذا استوعيت تراجم من تلا بالروایات أو بعضها، و لم ينقل الينا طرقه لبلغ کتابی عدة مجلدات). ذهبی همچنین شرح حال قراء مشهوری را که مشخص نبوده نزد چه کسانی قرائت را اخذ کرده‌اند، یا چه کسانی نزد آنها اخذ قرائت کرده‌اند، نیاورده است. ذهبی در شرح حال حسین بن عبدالواحد حذاء (شرح حال ۴۴۵) به این شرط اشاره کرده است.

نسخه تازه یاب کتاب

اکنون فرصت آن فرارسیده تا وصفی از نسخه نهایی طبقات القراء

که به تازگی یافته‌ام، بازگویم. کاتب این نسخه، عالم جلیل القدر از عالمان قرن نهم هجری قمری، محمد بن محمد بن حسین بن محمد بن فهد هاشمی (۷۸۷ - ۸۷۱ق)، است که معاصرانش او را به عنوان عالمی نامور ستوده‌اند و بر دانش او در زمینه حدیث و رجال گواهی داده‌اند. وی خود آثار متعددی، از جمله لحاظ الا لحاظ بذیل طبقات الاتفاظ ذهبی تألیف کرده است.^{۳۶} وی نسخه کتاب طبقات القراء را در سیزده روز استنساخ کرده و در ۱۴ جمادی الآخرة سال ۸۱۷ به پایان رسانده است. او در منزل خود در روبه روی کعبه به کتابت مشغول بوده و در همان هنگام این نسخه را با اصل مقابله نیز کرده است.^{۳۷} بار دیگر نیز آن را بر برخی از افراد خانواده‌اش خوانده و همچنین با یکی از عالمان هم‌شان خود در ۱۴ مجلس، از ربیع الثانی ۸۲۴ تا محرم الحرام ۸۲۵، آن را بار دیگر با اصل مقابله کرده است.

این نسخه مشتمل بر ۱۴۸ برگ در ابعاد ۲۷×۱۸ سانتی متر است و تعداد سطور آن در هر صفحه به ۲۷ سطر می‌رسد. برخی از سطرها در حاشیه ادامه یافته که در نگاه نخست گمان می‌رود که افزوده کتاب باشد، در حالی که چنین نیست و ادامه مطلب خود کتاب و شیوه کتابت است. از بد اقبالی، دو برگ از نسخه افتاده است: برگ‌های اول و هفتم. از ابتدا و انتها نیز چهار برگ پارگی دارد و در برگ‌های دوم تا پنجم این اشکال رخ داده، اما از مطالب کتاب چندان حذف نشده است. اما دو برگ گمشده، برگ نخست به نحو معمول، بر یک طرف احتمالاً عنوان کتاب را دربر داشته و در ظهر آن به گمان من، مقدمه کوتاه کتاب قرار داشته که ذهبی در آن، همانند تاریخ الاسلام، فهرست منابع خود را در تألیف کتاب برشمرده و پس از آن بخشی از شرح حال عثمان بن عفان را ذکر کرده که ادامه آن در برگ دوم آمده است. برگ هفتم نیز در بردارنده شرح حال ابوعبدالرحمن و شرح حال‌های کامل عبدالله بن عیاش، ابورجاء، ابوالاسود دؤلی، ابوالعالیه ریاحی و بخشی از شرح حال یحیی بن وثاب بوده است. بخش‌های دیگر نسخه سالم و بی نقص است. تنها دو برگ آخر نسخه که شرح حال‌های الحاقی در آن آمده، تا حدی به یکدیگر چسبندگی دارند.

با وجود آن که نسخه به دقت کتابت شده، خالی از اشکال کتابتی و لغوی نیست. این فهد عناوین شرح حال‌ها را به رنگ قرمز نگاهشته و متن شرح حال را با جوهر سیاه رنگ و اغلب عبارات‌های «اتشدنا»، «اخبرنا» و «قلت» را که در سراسر کتاب آمده، با جوهر قرمز رنگ کتابت کرده است.

خط ابن فهد نیز دارای ویژگی خاصی است که شناخت آن ضروری می‌نماید. وی غالباً حرف نقطه دار را بدون نقطه کتابت می‌کند و تنها در موارد بسیار معدودی نقطه‌های حروف اسامی علما و قراء و القاب آنها و نام شهرها را کتابت کرده است. ویژگی دیگری که ظاهراً فقط مختص نگارش اوست، چسباندن بن به اسم قبل از آن است؛ خصوصاً در نام‌هایی که به حرف دال (چون احمد و محمد)، نون (چون اسم

[نسخه دانشنامه]

اثن زنا خذ القرائه عن ابن عباس زواجر لما قالوا لابي و طاب له وجهه و جعلوا يصرخون في حقه الجمع على السج نزلوا من
الصالحين و تلاعبت عامر على الامام ايضا ز و كتبت اني كنت و شاك في انك لا بد و سجدت كما بي طبقتا انما
هدا جافسكون زواجر و حسن التبيين و البصفت و اوردت في تصديره بالكلية و لا و احدثت ما و كتبت
عليها للطلبه و خرج بها انما و سجدت في نعم و سجدت في نال لا الطير بل في شجر و زواجر و سجدت في
الاسم آتسي بوبكر بن عبد الرحمن بن عباس الامام القوي القوي رشفنا لوزنا الشهي الاعسر و انما سجدت في
الصبر اي جنته بل عتبه تا به بالقرائت و بعد ما اوردت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في
و على اي جاز و اوردت في الجبرية اي السراج الجود و في جنته لا يركب في سجدت في سجدت في سجدت في
و تلاعبت في علي و التمس في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في
على سجدت و حصل في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في
و سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في
المعري و مصنف كتاب المعاني المنيرة في شرح التفسيره رايضا الجمل الا و اردت في هذا الكتاب في جنته في
با ما به اوله و مقتضى بعرضه بالعبود ثم انه جسد في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في
اقربا في سنة ثمان و سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في
با زواجر و ان صاحب الشئ عبد الله انما قرأ القرآن في العرش في سجدت في سجدت في سجدت في

انما تلا على ارضه بعد ذهابه برفعه من سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في
ما و سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في
و سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في
اخيرا هو الامام كتاب الامام ان جرحها بالقرائت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في
ابن عبد الله بن عباس الامام القوي القوي رشفنا لوزنا الشهي الاعسر و انما سجدت في
الا و حده في الامام القوي القوي رشفنا لوزنا الشهي الاعسر و انما سجدت في
و سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في
انما ز و حثابه بالقرائت و بسلا و العزب و الحزب و الفرقان و فقر في سجدت في سجدت في
نامه بحال صحت و رايه و محلته من محل حله و سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في
في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في
الا و سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في
في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في
نما و اكعب النقطه و المعري و معالي جنته و معاليه و سجدت في سجدت في سجدت في سجدت في

[الصفحة الأخيرة للكتاب]

که البته عنوان آن مشخص نبود. این نسخه را با خود به اسلام آباد بردم. از اشارات آن دریافتیم که این نسخه، نسخه‌ای از طبقات القراء ذهبی است. پس از اینکه به این مطلب پی بردم، به اندیشه تصحیح و چاپ آن اقدام. از این رو به بررسی این مطلب پرداختم که آیا این کتاب تا به حال چاپ شده یا خیر که به چاپ این کتاب توسط گروهی از محققان برخوردیم و از این رو از فکر انتشار نسخه منصرف شدم. با مطالعه این نسخه مطالبی در آن دیدیم که در متن چاپ نشده به اسم معرفة القراء الکبار نیافتیم. نخست گمان بردم که نبود این مطالب به اختلاف نسخه بازمی‌گردد و این مرا به مقابله نسخه با متن چاپ شده واداشت. اما در هنگام مقابله اختلافات بسیاری بین متن چاپ شده و نسخه خطی دیدیم. ابتدا تصمیم به نشر این اضافات و اختلافات داشتیم. اما پس از جمع این اختلاف از چند صفحه، متوجه شدم که این نسخه تفاوت‌های جدی با متن چاپ شده و نسخه‌های اساس آن دارد، به گونه‌ای که نمی‌توان این افزوده را از مقوله اختلاف نسخه دانست. بنابراین کار را به کناری نهادم و به فکر چاپ کامل خود کتاب اقدام، چرا که این نسخه متنی متفاوت از معرفة القراء الکبار است.

چگونه این نسخه یافت شده است؟ بسیاری از کتاب‌های حوزه تراث، همچون عالمان از جایی به جایی دیگر منتقل شده است. زبان رایج علمی جهان اسلام، یعنی عربی، این امکان را فراهم کرده تا کتاب نگارش یافته به این زبان در حوزه جغرافیایی وسیعی قابل استفاده باشد. چه بسا کتابی فقهی در عراق تألیف شده اما نسخه‌ای از آن در مغرب یافت می‌شود و برعکس. نسخه طبقات القراء نیز چنین است. این نسخه که در جوار کعبه در مکه کتابت شده، در طی قرون در اختیار علمای مختلف بوده که نام اغلب آنها را نمی‌دانیم و دست آخر در کتابخانه‌ای کوچک در هند یعنی کتابخانه مدرسه محمد علی مکهدی در پاکستان فعلی یافت شده است. این مدرسه که در طی چند قرن، یکی از مراکز مهم علمی در شبه قاره هند بوده، کتابخانه‌ای غنی دارد. در ۱۹۸۸ از کتابخانه‌های شخصی و خصوصی که نسخه‌های ارزشمند عربی و فارسی را در برداشت، دیدن کردم که از جمله آنها این کتابخانه بود. وضع رقت بار این کتابخانه، مرا بسیار غمگین و نگران کرد. در میان نسخه‌های خطی این کتابخانه برخی از نسخه‌های بسیار معتبر و نفیسی دیده می‌شد از جمله، همین نسخه طبقات القراء ذهبی

عنوان کتاب

عناوین مختلفی که گاه به یک اثر نسبت داده می‌شود و در نسخه‌های خطی یک اثر می‌آید، این مشکل را برای محقق پدید می‌آورد که نام اصلی کتاب که خود مؤلف برای اثرش برگزیده، کدام است. یافتن عنوانی که خود مؤلف اثرش را به آن یاد کرده، بسیار مهم و مغتنم است. موارد این گونه از تعدد نام یک اثر فراوان است. برای مثال، حسن بن محمد بن حسن صنعانی (۵۷۷ - ۶۵۰ هـ) که آثار متعددی تألیف کرده، «مقصوره» ابن درید را به صورت «مسمط» در آورده و آن را «القلادة السمطية فی توشیح الدریدية» نام نهاده است، سپس خود آن را شرح کرده و عنوان آن را «شرح القلادة السمطية فی توشیح الدریدية» نام نهاده است. شاگردان وی نیز این کتاب‌ها را به همین عناوین یاد کرده‌اند و در شرح احوال صنعانی نیز همین نام‌ها به عنوان نام آثار وی آمده است. اما عنوان کتاب آن گونه که صنعانی خود در نسخه‌ای از کتاب که شاگردش شرف الدین عبدالؤمن بن خلف دمیاطی (متوفی ۷۰۵ ق) بر او دو روز قبل از وفاتش خوانده، المرئجل فی شرح القلادة السمطية فی توشیح الدریدية آورده است. از این رو مصحح کتاب، عنوان اخیر را به عنوان نام این کتاب آورده است.^{۳۱} ذهبی نیز عناوین کتاب‌های خود را در هنگام تحریرهای مجدد آن تغییر می‌داده است. برای مثال وی در تحریر نخست تاریخ الاسلام، عنوان آن را تاریخ الاسلام و طبقات المشاهیر و الأعلام آورده اما در تحریر دوم یا سوم عنوان آن را به تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الأعلام تغییر داده و به جای طبقات در تحریر اول، از کلمه وفيات استفاده کرده است.^{۳۲}

ذهبی در بعضی موارد کتاب خود را «معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الأمصار» یاد کرده و در تمام نسخه‌های تحریر اول همین عنوان بر آنجا درج شده است. صلاح الدین صفدی نیز همین عنوان را در بین آثار ذهبی آورده است که مشخص است وی فقط تحریر اول این اثر را می‌شناخته است. پرسشی که اکنون به ذهن متبادر می‌گردد این است که عنوان کتاب در تحریر نهایی یعنی نسخه‌ها چه بوده است؟ در صورتی که برگ نخست نسخه ما مفقود نشده بود، به احتمال قوی این مشکل حل می‌شد. اما اشاره‌ای درباره نام کتاب در جایی از کتاب آمده و آن در شرح حال ابن سلّوس (شماره ۱۲۲۶) است که نسخه‌ای از تحریر اول کتاب را در ۷۲۵ هـ استنساخ کرده و عنوان آن را «معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الأمصار» آورده است. اما در تحریر سوم، در شرح حال ابن عالم چنین آمده است: «... و تلا بحرف عاصم علی الامام ابی حیان، و کتب الحدیث، و شارک فی الفضائل، و نسخ کتاب طبقات القراء هذا مع سکون و وقار».

طریق دیگری که از آن می‌توانیم به نام کتاب پی ببریم، کتاب لخط اللاحاظ ابن فهد، کاتب نسخه ماست که در شرح حال وادی اثنی گفته

است: «قال الذهبی فی طبقات القراء». ^{۳۳} این شاهد مهمی است که کاتب نسخه یعنی ابن فهد ذکر کرده و دلیل خوبی است که او عنوان این کتاب را به احتمال قوی به همین شکل باید کتابت کرده باشد. از همه مهم‌تر، ارجاعات خود ذهبی در کتاب سیر اعلام النبلاء به این کتاب است که در اشاره به شرح حال افراد گفته: «قد ذکر ذلك مطولاً فی طبقات القراء»، «و قد ذکرته فی طبقات القراء»، «و له ترجمة طويلة فی طبقات القراء»، «و استوعبت ترجمته فی طبقات القراء». ^{۳۴} این ارجاعات دلیل روشنی بر نام کتاب است. فزون تر آنکه، عالمانی که از این کتاب بهره گرفته‌اند یا عبارتی از آن نقل کرده‌اند یا شرح حال ذهبی را آورده‌اند، به کتابی به این نام نیز اشاره کرده‌اند. تاج الدین سبکی در طبقات الشافعية الكبرى ^{۳۵} همین نام را آورده و ابن حجر عسقلانی در الدرر الكامنة ^{۳۶}، فاسی در العقد الثمین ^{۳۷} و جلال الدین سیوطی در ذیل طبقات الحفاظ ^{۳۸} همین عنوان را ذکر کرده‌اند. عالمانی که به نحوی به این کتاب توجه داشته‌اند و آن را به گونه‌ای که خود می‌پسندیده‌اند، مرتب کرده‌اند نیز همین عنوان را برای کتاب یاد کرده‌اند که از میان آنها می‌توان به ابن حسبان اشاره کرده که عنوان کتاب را ترتیب طبقات القراء ذهبی نامیده است. ^{۳۹} شواهد متعدد دیگری نیز بر این ادعا که نام کتاب به طبقات القراء مشهور بوده، می‌توان افزود که در اینجا تنها به ذکر یک مورد اکتفا می‌کنم. ابن جزری در غایة النهایة می‌نویسد: «شیخ ابراهیم بن احمد حریری در قاهره مرا خبر داد که همراه وی نسخه‌ای از الطبقات به خط ابوعبدالله ذهبی بوده و من آن را به عاریت از او که در خانه‌اش در محله مزارام سال که ذهبی شیخ حدیث آنجا بود، گرفتم. به مجلس شیخم ابن بسخان در آمدم. او از من پرسید که چه همراه داری؟ به او گفتم: طبقات القراء ذهبی. او به من گفت که کتاب را به من بده تا شرح حال خود را در آن ببینم و آن را از من گرفت و در آن نگریست. سپس به من گفت که آن را تا فردا نزد من امانت بگذار. از او شرم نمودم که با خواسته‌اش مخالفت کنم و با خواسته‌اش موافقت کردم. دیگر روز چون به نزد او رفتم، دیدم که بر عبارت ذهبی، مطالبی نوشته است. نزد خود گفتم که اکنون با ذهبی چه کنم و به او چه بگویم؟ پس به نزد ذهبی رفتم و شرمسار بودم به حدی که تنها خدا می‌داند. از من بابت حالم پرسشی نمود و من جواب او را در نهایت شرمساری دادم و او را از آنچه که رخ داده بود، آگاه کردم. به من گفت ای پسرم تو در آنچه که رخ داده، معذور هستی. سپس به خط ابن بسخان نگریست و تغییری در آن نداد». ^{۴۰}

ویژگی‌های خاص طبقات القراء

ویژگی‌های متعددی برای این اثر ذهبی می‌توان ذکر کرد که از

جمله آنها موارد زیر را می‌توان برشمرد.

۱ - ذهبی در این کتاب شرح حال تعدادی از قراء را آورده که در آثار

است. در آغاز این قطعه اجازه ذهبی برای ابن سلعوس چنین آمده است: «سمع هذا الكتاب كله من لفظي، وتابعتني الشيخ الامام المقرب الموجود الماهر شهاب الدين ابوالعباس احمد بن محمد بن يحيى بن نملة النابلسي ثم الدمشقي التاجر، بلغه الله آماله واصلح اعماله، وهو ممسك حال السماع هذه النسخة التي كتبها بيده. و صح ذلك في عدة المجالس، تمت تاسع جمادى الاخرة سنة خمس و عشرين وسبعمائة والحمد لله.

وأجزت له ولاخيه جميع ما حملته سماعاً وتلاوة واجازة وما قلته والفته. وكتب محمد بن احمد بن عثمان الذهبي غفر الله له ولوالديه و تاب عليه كلما تاب اليه». درباره اشاره ای دیگر به این نسخه از سوی خود ذهبی بنگرید به شرح حال ابن سلعوس در شماره ۱۲۳۶.

۸ - این نسخه یکی از نسخه های مورد استفاده بشار عواد معروف، شعیب الارناؤوط و صالح مهدی عباس در تحقیق کتاب معرفة القراء الکبار علی الطبقات والاعصار ذهبی بوده که در ۱۹۸۴ در بیروت منتشر شده است. بنگرید به مقدمه کتاب، ص ۱۶ و تصویر نسخه. متن اجازه ای که ذهبی به مزی داده، چنین است: «قرأ علی هذا الكتاب كله فی عدة مجالس صاحبه المولى الامام العالم الفاضل المقرئ ذوالفضائل والمحاسن شرف الدين ابوالمعالی محمد بن الشيخ شهاب الدين احمد بن شيخنا الامام الكبير الاوحد، شيخ القراء زين الدين بقیة السلف ابی بكر بن يوسف المزی بحضرة جده المذكور، فراجعه فی اشياء نستفيدها منه فی العربية و غيرها، ختم الله له بالحسنى و حرس مدة حفيذة المسمى، ورزقهما وایای الانابة وكانت قراءة محررة محبرة متقنة. وكتب محمد بن احمد بن عثمان الذهبي مؤلف الكتاب، سامحه الله و عفا عنه»

۹ - بنگرید به فهرست نسخه های خطی کتابخانه کوپربلی، ص ۵۶۹ - ۵۷۰.

۱۰ - بنگرید به مقدمه چاپ معرفة القراء، ص ۱۷.

۱۱ - بشار عواد معروف در بحث از آثار ذهبی به نام این کتاب و وجود نسخه های متعدد از آن اشاره کرده، اما متوجه وجود چند تحریر از این کتاب توسط خود ذهبی نشده است. (بنگرید به: الذهبی و منهجه فی کتابة تاریخ الاسلام، ص ۱۸۷ - ۱۹۰).

۱۲ - گمان ابن جزری نیز این بوده که وی در غایة النهایة تمام کتاب ذهبی را آورده، اما از آنجایی که وی بر نسخه ای ناقص از این کتاب دسترسی داشته، این گمان وی نادرست است. همین ادعا را ابن جزری درباره کتاب طبقات ذانی کرده که البته در این مورد خطا نکرده است. (بنگرید به: ابن جزری، غایة النهایة، ج ۱، ص ۳).

۱۳ - از چاپ های دیگر این کتاب ذهبی، باید به تحقیق این کتاب توسط سید جاد الحق اشاره کرده که دارالکتب الحدیثه در قاهره به سال ۱۹۶۹ منتشر کرده است. بشار عواد معروف در اشاره به کاستی های این

متن آن در اختیار سبط ابن حجر در کتاب رونق الالفاظ والمنهل الصافی ابن تفری بردی بوده و شرح حال ذهبی را از آن نقل کرده اند)، ابن الوردی (متوفی ۷۴۹ق) در تنمة المختصر (ج ۲، ص ۳۴۹)، صلاح الدین صفدی (متوفی ۷۶۴ق) در الوافی بالوفیات، (ج ۲، ص ۱۶۳ - ۱۶۸؛ نکت الهمیان، ص ۲۴۱ - ۲۴۴)، ابن شاکر کتبی (متوفی ۷۶۴ق) در فوات الوفیات، (ج ۲، ص ۱۸۳، عیون التواریخ، نسخه خطی کمبریج شماره ۲۹۲۳، برگ های ۸۶ - ۸۸)، شمس الدین حسینی (متوفی ۷۶۵ق) در ذیل تذکرة الحفاظ، ص ۳۴ - ۳۸؛ الذیل علی العبر، ص ۲۶۷ - ۲۶۹)، اسنوی (متوفی ۷۷۴ق) در طبقات الشافعیة، (تحقیق جبوری، ج ۱، ص ۵۵۸ - ۵۵۹)، تاج الدین سبکی (متوفی ۷۷۱ق) در طبقات الشافعیة الکبری (ج ۹، ص ۱۰۰ - ۱۱۶) و دیگران بوده است. برای گزارشی کامل از شرح حال و اهمیت ذهبی بنگرید به: بشار عواد معروف، الذهبی و منهجه فی کتابه تاریخ الاسلام (قاهره: مطبعة عیسی البابی الحلبي و شرکائه، ۱۹۷۶م)؛ همو، مقدمه بر جلد نخست تاریخ الاسلام؛ عبدالستار الشیخ، الحافظ الذهبی: مورخ الاسلام، ناقد المحدثین، امام المعدلین و المجروحین (دمشق: دار القلم ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۴م). اثر ستار تا حد زیادی تلخیص و گزیده برداری از تحقیق بشار است. توضیحات بشار عواد در معرفی آثار ذهبی، کامل تر و دقیق تر از توضیحات ستار است.

۳ - درباره تاریخ پایان تحریر اول تاریخ الاسلام، استناد به برگ ۳۴۵، نسخه ۳۰۱۴ کتابخانه ایاصوفیا است که در آنجا جمادى الاول ۷۱۴ را تاریخ پایان تألیف کتاب ذکر کرده است. برای بحثی از تاریخ تحریرهای کتاب تاریخ الاسلام بنگرید به: بشار عواد معروف، الذهبی و منهجه فی کتابة تاریخ الاسلام، ص ۲۴ - ۲۶.

۴ - بنگرید به مقدمه محقق سیر اعلام النبلاء، ص ۹۲ و مقدمه محقق تهذیب الکمال فی اسماء الرجال مزی، ص ۷۷.

۵ - ذهبی در ۷۰۳، خطابت مسجدی در کفر بطنا را بر عهده گرفته که روستایی در غوطه اطراف دمشق است. ذهبی تا ۸۱۸ در آنجا بوده است. بنگرید به مقدمه محقق سیر اعلام النبلاء، ص ۴۱.

۶ - محققان معرفة القراء (ج ۱، ص ۱۳۹ این مطلب را از شرح حال مجد الدین ابوبکر مرسی (ج ۲، ص ۷۴۱ - ۷۴۲) که ذهبی سال وفات او را در معرفة القراء نیاورده، استنتاج کرده اند که نشان می دهد، ذهبی کتابش را قبل از وفات او تألیف کرده است، چرا که اگر بعد از وفات وی اثرش را به پایان رسانده بود، به سال درگذشت او اشاره می کرد.

۷ - این اطلاع بر اساس منقولاتی از این نسخه است که مستشرقی در قرن هجدهم از نسخه ای که خود دیده استنساخ کرده اما او به نام خود و محل نسخه اشاره ای نکرده است. این بخش نسخه از آغاز کتاب تا شرح حال طیب بن اسماعیل ابی حمدون ذهلی (معرفة القراء، ج ۱، ص ۲۱۲) را در بردارد و در کتابخانه سلطنتی برلین به شماره ۹۹۴۳ موجود

۸۷)؛ قاسم بن یزید بن کلیب وزان (غایه، شماره ۲۶۰۹، نسخه ما شماره ۱۶۵)؛ قتیبة بن مهران (غایه، شماره ۲۶۱۲، نسخه ما ۱۰۲)؛ محمد بن احمد بن محمد بیسانی (غایه شماره ۲۷۹۴، نسخه ما ۲۱۶)؛ محمد بن حسین بن حرب (غایه، شماره ۲۹۶۱، نسخه ما ۹۴۹)؛ محمد بن عبدالرحمن بن سمیع (غایه، شماره ۳۱۰۶، نسخه ما ۱۰۱)؛ محمد بن عمر قصبی (غایه، شماره ۳۳۱۳، نسخه ما ۱۱۹)؛ محمد بن عمرو بن عون واسطی (غایه، شماره ۳۳۲۹، نسخه ما ۱۹۰)؛ فضل بن صدقة (غایه شرح حال ۳۶۳۷، نسخه ما ۵۸).

۲۱ - برای مثال بنگرید به نسخه ۱۸۶۷۹ بایزید عمومی در ۲۱۷ برگ که نام آن نیز در نسخه کتاب معرفة المشهورین من القراء الکبار علی الطبقات و الاعصار ذکر شده است. بنگرید به: رمضان ششن، مختارات من المخطوطات العربية النادرة فی مکتبات الترتکیة (استانبول، ۱۹۹۷م)، ص ۴۳۰ - ۴۳۱.

۲۲ - دلیل دیگر بر عدم دسترسی ابن جزری به تحریر سوم، شرح حال افرادی است که در تحریر سوم آمده اما ابن جزری به نام آنها هیچ اشاره‌ای نکرده است. برای مثال بنگرید به شرح حال ابن افراد در نسخه تازه یاب ما: محمد بن حماد بن بکر بن حماد بغدادی (ش ۲۳۳)، عبدالملک بن احمد بن عصام (غایه، ش ۳۴۶)؛ محمد بن حسن بن علان بن سختویه (غایه، ص ۳۴۷)؛ عبدالله بن البیع انطاکی (غایه ش ۳۵۱)؛ عمر بن احمد بن هارون بن الاجری (غایه، ش ۳۸۲)؛ عبدالقاهر بن عبدالعزیز الضائع (غایه، ش ۴۳۱)؛ عبیدالله بن عبدالله بن حسن بغدادی (غایه، ش ۴۳۲)؛ عطیة بن سعید بن عبدالله (غایه، ش ۴۴۳)؛ حسین بن عبدالواحد حذاء (غایه، ش ۴۴۵)؛ ابوالحسین عبدالرحمن بن محمد (غایه، ش ۴۷۴). ذہبی در شرح حال ابوبکر بن ایدغدی بن عبدالله شمسئی گفته که قد حصل نسخة بهذه الطبقات. شاید روزی این نسخه که استنساخی از تحریر سوم است، یافت شود.

۲۳ - شگفت آنکه محققان معرفة القراء اشاره‌ای به این بیت صفدی در اشاره به کتاب معرفة القراء ذہبی نکرده‌اند که در آن تعداد طبقات کتاب هفده طبقه ذکر شده است. صفدی در اشاره به این کتاب ذہبی می‌نویسد: «تجدها سبعة من بعد عشر». با وجودی که صفدی، تعداد طبقات کتاب ذہبی را هفده طبقه ذکر کرده، محققان کتاب معرفة القراء اشاره‌ای به این موضوع نکرده‌اند که چرا در نسخه آنها تعداد طبقات هجده طبقه است.

۲۴ - با وجودی که تردیدی نیست که ذہبی، شرح حال‌های مکرر موجود در تحریر اول و دوم را در تحریر سوم حذف کرده اما در تحریر سوم نیز شرح حال‌های مکرر یافت می‌شود. در نسخه ما شماره‌های

چاپ می‌نویسد: «این چاپ آشفته‌ای از کتاب است و در آن تصحیف و تحریف و افتادگی‌های فراوانی وجود دارد». (بنگرید به: بشار عواد معروف، الذہبی و منهجه فی کتابه تاریخ الاسلام، ص ۱۸۸، پانویس ۷). ۱۴ - «... و مما نقله ابن الجزری فی کتابه غایه النہایة الذی اعتمد نسخة المؤلف المکتوبة بخطه كما صرح بذلك فی احدی التراجم من کتابه غایه النہایة (ج ۱، ص ۳۷۵)، مما حد بنا الی اثبات هذه الزیادات والتنقیحات فی مواضعها من هذا کتاب و الاشارة الیها، بعد ان اتخذنا نسخة الرباط اصلا للتحقیق». (مقدمه بشار عواد معروف و دیگران بر معرفة القراء الکبار، ج ۱، ص ۱۷).

۱۵ - مقدمه محققان معرفة القراء الکبار، ج ۱، ص ۱۷.
۱۶ - بنگرید به غایه النہایة، شرح حال‌های شماره ۳۴۱۹ (ج ۱، ص ۵۱۹) و ۳۲۹۱ (ج ۲، ص ۲۱۲).
۱۷ - بنگرید به شرح حال‌های ۱۱۹۵ (۷۳۲ق)، ۱۲۳۶ (۷۳۲ق)، ۱۳۰۵ (۷۳۵ق)، ۱۳۳۸ (۷۳۵ق)، ۱۲۰۹ (۷۳۸ق)، ۱۲۱۹ (۷۳۹ق)، ۱۲۲۶ (۷۴۰ق)، ۱۲۲۵ (۷۴۲ق)، ۱۲۰۸ (۷۴۳ق)، ۱۲۱۷ (۷۴۳ق)، ۱۲۰۱ (۷۴۵ق). شایان ذکر است که این ارجاعات به نسخه تازه یاب است.
۱۸ - شرح حال ۱۲۰۴

۱۹ - محققان معرفة القراء درباره نسخه پاریس مطلب چندانی ذکر نکرده‌اند و از آن به عنوان نسخه‌ای که در تصحیح کتاب از آن بهره گرفته باشند نیز یاد نکرده‌اند. اما در ضمن یکی از شرح حال‌ها گفته‌اند: ان ابن الجزری قد ذکر فی ترجمه یوسف بن المبارک (انظر معرفة القراء، ج ۲، ص ۵۳۰): وقد ترجمه الذہبی بترجمتین فی الطبقة الثانية عشرة و الثالثة عشرة، و بسط الثانية اکثر. (غایه النہایة، ج ۲، ص ۴۰۳). در این باب محققان معرفة القراء گفته‌اند: «این شرح حال را در نسخه اساس نیافتیم، گویا ذہبی بر تکرار شرح حال این فرد آگاه شده و آن را حذف کرده اما در نسخه پاریس در دو جا شرح حال این فرد آمده است. (معرفة القراء، شماره ۲۰۸۴، نسخه پاریس، برگ‌های ۱۵۲ تا ۱۵۷). از این گفته می‌توان نتیجه گرفت که احتمال دارد، نسخه پاریس، نسخه‌ای از تحریر دوم کتاب باشد.

۲۰ - برای مثال بنگرید به شرح حال این افراد که ابن جزری سرگذشت آنها را به نقل از ذہبی آورده اما در معرفة القراء، شرح حال آنان ذکر نشده است: احمد بن حسن بن علی (غایه، شماره ۲۰۱، نسخه ما، شماره ۱۲۱۲)؛ ابراهیم بن حسن بن نجیح التبان (غایه شماره ۳۶، نسخه ما شماره ۹۹)؛ ترک الحذاء النعال (غایه، شماره ۸۰۶، نسخه ما شماره ۱۴۳)؛ حامد بن محمود بن حرب (غایه، شماره ۹۲۹، نسخه ما شماره ۱۶۷)؛ عمر بن هارون بلخی (غایه، شماره ۲۴۳۷، نسخه ما

همانجا باقی ماند. وی نسخه‌های خطی متعددی از مناطق مختلف چون بلخ، بخاری، سمرقند، کشمیر، بنگال و ایران گردآوری کرد. این مدرسه تا زمان وفات مولوی محمد علی در رمضان سال ۱۲۵۳ ق محل درس و بحث عالمان بوده است. اما اینک مدت یک قرن و نیم است که متروکه شده و تنها کتابخانه آن اهمیت دارد و اکثر کتاب‌های آن نیز میان وارثان تقسیم شده است.

- ۳۱ - بنگرید به مقدمه محقق کتاب المرتجل فی شرح القلادة السمطیة فی توشیح الدریدیة، ص ۱۵ - ۱۶.
- ۳۲ - بنگرید به مقدمه محقق کتاب تهذیب الکیمال فی اسماء الرجال مزی، پانویس ۱۳، صفحه ۷۷.
- ۳۳ - لحظ اللاحاظ، ص ۱۱۵ و این شرح حال به همان صورت در نسخه ما شماره ۱۱۶۰ آمده است.
- ۳۴ - برای مثال بنگرید به سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۲۹۳، ج ۶، ص ۴۰۷، ج ۷، ص ۹۲، ۳۳۶، ج ۱۵، ص ۹۵، ۲۶۵، ۲۶۶، ج ۱۶، ص ۲۶۰، ۵۱۶.
- ۳۵ - سبکی، ج ۹، ص ۱۰۴.
- ۳۶ - ابن حجر، ج ۳، ص ۴۲۶.
- ۳۷ - فاسی، ج ۳، ص ۳۰۰.
- ۳۸ - سیوطی، ص ۳۴۸.
- ۳۹ - بنگرید به لحظ اللاحاظ بذیل طبقات الحفاظ، ص ۲۴۵.
- ۴۰ - غایة النهایة، ج ۲، ص ۵۹.
- ۴۱ - بنگرید به قبل، پی نوشت ۲۸.

۶۷ و ۹۷ و ۱۱۹ و ۱۵۴ و ۶۰۱ و ۷۰۵ و ۶۷۵ و ۷۱۷ و ۷۷۷ و ۴۹۴ و ۹۳۲ و ۱۰۳۴ و ۹۸۶ و ۱۰۲۰ و ۹۹۵ و ۱۰۴۵ و ۱۰۶۲ و ۱۰۷۷ تکراری است.

۲۵ - بنگرید به معرفة القراء الکبار، شرح حال‌های ۵۹۵، ۶۸۶، ۷۰۱، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۲۵ که در نسخه ما حذف شده‌اند.

۲۶ - نام کامل ابن فهد چنین است: محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن عبدالله بن فهد الهاشمی العلوی ثم المکی الشافعی مشهور به ابن فهد. وی از عالمان مورخ شافعی مذهب است که آثار مهمی در تاریخ مکه و شبه جزیره عربستان تألیف کرده است. وی در اصفوان از نواحی سعید مصر علیا، نزدیک اسنا در ربیع الثانی ۷۸۷ به دنیا آمد و همراه پدرش به مکه مهاجرت کرد که زمان این مهاجرت ۷۹۵ ذکر شده است. وی در مکه در خانه‌ای مشرف به کعبه اقامت داشته و تمام عمر خود را در آنجا به سر برده است. وی در ۸۷۱ درگذشت. از جمله آثار او می‌توان به النور الباهر الساطع من سیرة ذی البرهان القاطع (در سیرة نبوی)، المطالب السنیة العوالی بما لقریش من المفاخر و المعالی، عمدة المنتحل و بلغة المرتجل (در حدیث)، لحظ اللاحاظ بذیل طبقات الحفاظ ذهبی، طرق الاصابة بما جاء فی الصحابه، سیرة الخلفاء و الملوک (دومجلد)، نهایة التقریب و تکمیل التهذیب (که در این کتاب وی بین تهذیب الکیمال مزی و مختصرهای آن توسط ذهبی و ابن حجر جمع کرده است)، الزوائد علی حیاة الحیوان دمیری، قصص الانبیاء و آثار دیگر اشاره کرد. درباره شرح حال ابن فهد بنگرید به: مقدمه کتاب لحظ اللاحاظ، چاپ شده همراه با طبقات الحفاظ ذهبی (دمشق، ص ۲-۵)؛ زرکلی، الاعلام، ج ۷، ص ۲۷۷-۲۷۸؛ کحاله، معجم المؤلفین، ج ۱۱، ص ۲۹۱.

۲۷ - ابن فهد در آخر هر جزء این عبارت را ذکر کرده است: «بلغت المقابلة بأصله، فصیح، و لله الحمد و الشکر». گاه این عبارت با تفاوت‌های اندک ذکر شده است. تعداد این ابلاغ‌ها، چهارده مورد است.

۲۸ - بنگرید به بشار عواد معروف، الذهبی و منهجه فی تاریخ الاسلام، ص ۱۸۹.

۲۹ - بنگرید به لحظ اللاحاظ بذیل طبقات الحفاظ، از ابن فهد هاشمی، ص ۲۴۵.

۳۰ - مولوی محمد علی بنیانگذار این مدرسه در ۱۱۶۴ در شهر پتیاله (Batala) منطقه‌ای در استان پنجاب شرقی به دنیا آمد و در بیست سالگی همراه خانواده خود از آنجا مهاجرت کرد و در مکه (روستای قدیمی برکنار رودخانه سند نزدیک شهر سیانوالی) برای طلب علم همچون اجداد و اسلاف خود اقامت گزید و تا آخر عمر خود در

